

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۲۵

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

**1-To write the life of him who excelled all mankind in writing the lives of others is an arduous and presumptuous task.**

1. به نگارش در آوردن زندگی کسی که در نگارش زندگی دیگران سرآمده بود کاری است طاقت فرسا و گستاخانه
2. به نگارش در آوردن زندگی کسی که در نگارش زندگی دیگران زیانزد بوده است، کاری است رضایتبخش و غرورآفرین
3. زندگی کسی را نگاشتن که او خود نگارنده زندگی دیگران بوده است، کاری شاق و نیازمند درایت است
4. زندگی کسی را نوشتن که او زندگی دیگران را به نویسندگی خود سخت و طاقت فرسا نموده است، تورا سرآمد دیگران خواهد کرد

**2-When I delineate him without reserve, I do what he himself recommended.**

1. و اگر او را محتاطانه توصیف می‌کنم، از آن رو است که او خود چنین توصیه می‌کرد
2. و هنگامیکه به توصیف او بدون هیچ ذخیره‌ای می‌پردازم، به پیشنهاد اوست که چنین می‌کنم
3. و اگر او را با صراحت توصیف می‌کنم، خود آن می‌کنم که او بدان توصیه می‌کرد
4. و زمانی که هیچ انگیزه‌ای برای تشریح صفات او ندارم، پیشنهادهای خود وی راهگشا می‌شوند

**3-But in the indications of female poverty there can be no disguise.**

1. اما شاخص‌های فقر زنان را هیچ لباسی بر تن نشاید
2. اما نشانه‌های تهیدستی زنان در هیچ لباسی پوشیده نتوانند ماند
3. اما تظاهر زنان به برخورداری هنگام فقر در هیچ چیز جز لباس آنها پدیدار نمی‌شود
4. اما زنان فقر خود را به هیچ صورت مبدلی نمی‌توانند بیان کنند

**4-Inquireth if you have had your arms done on vellum yet.**

1. می‌پرسد آیا تا کنون سلاح‌های خود را باز و بسته کرده‌اید؟
2. می‌پرسد آیا تا به حال بازوان خود بر بالش‌های نرم تکیه داده‌اید؟
3. می‌پرسد آیا هیچ بازوان شما را محکم بسته‌اند؟
4. می‌پرسد آیا هیچ نشانه‌های افتخار خود بر چرم منقوش کرده‌اید؟

**5-They again threatened to besiege the citadel of life and hope.**

1. آنها باز هم تهدید کردند که معبد زندگی و امید را ویران خواهد کرد
2. آنها دوباره تهدید کردند که دژ زندگی و امید را محاصره خواهند کرد
3. آنها باز تهدید کردند که قصر مجلل زندگی و امید را با خاک هموار خواهند کرد
4. آنها باز هم تهدید کردند که نشانه‌های زندگی و امید را از چهره همگان بازخواهند ستد

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۲۵

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

**6-Farewell to hope and to tranquil dreams, and to the blessed consolations of sleep!**

1. بدرود ای امید و رویاهای آرام، و ای تسکین‌های خداداد خواب
2. خداحافظ ای رویا، ای خواب‌های آسوده، و ای آرامش شیرین خواب
3. و درود بر تو ای امید و ای رویاهای آرام، و ای تسلی‌های مقدس خواب
4. خدانگهدار ای امید، ای رویاهای شبانه، و ای تسلی‌های میمون خواب

**7-They rarely obtrude their idiosyncrasies on their readers.**

1. آنها به ندرت صفات منحصر به فرد خویش را به خواننده‌های خود تعمیم می‌دهند
2. آنها به ندرت ویژگی‌های شخصی خود را بر خواننده‌های خود سد می‌کنند
3. آنها به ندرت خصیصه‌های فردی خویش را بر خواننده‌های خود تحمیل می‌کنند
4. آنها اغلب فقط ویژگی‌های شخصی خود را بر خواننده‌های خود تحمیل می‌کنند

**8-Some had carried into foreign climates their unconquerable hatred of oppression.**

1. برخی از آنها بی‌مهری تسخیرناپذیر خویش نسبت به استبداد را به قلمروهای آزاد بیگانه برده بودند
2. برخی از آنها بیزارى فروکش ناپذیر خویش از دستگاه حکومتی را با خود به دربارهای خارجی برده بودند
3. برخی از آنها نفرت کاهش ناپذیر خویش از فشار را با خود به بلاد اجنبی برده بودند
4. برخی از آنها تنفر تسخیرناپذیر خویش از بیداد را با خود به اقلیم‌های بیگانه برده بودند

**9-They have nothing to do with those modern beggars for fame, who extort a pittance from the compassion of the inexperienced by exposing the nakedness and sores of their minds.**

1. آنها هیچ وجه مشترکی با دریوزگان نوین جاه‌طلبی، که اگر ایجاب کند برای صدقه حمایت بی‌تجربگان جراحتهای خود نیز برهنه می‌کنند، ندارند
2. آنها با گدایان امروزی شهرت، که برهنگی و جراحتهای بی‌تجربه‌ها را وسیله دستیابی به اهداف جاه‌طلبانه خویش قرار می‌دهند، هیچ وجه مشترکی ندارند
3. آنها با جویندگان معاصر شوکت، که صدقه ترحم بی‌تجربه‌ها را وسیله پرهیز از برهنگی و جراحتهای خویش قرار می‌دهند، هیچ وجه مشترکی ندارند
4. آنها با دریوزگان امروزی شهرت که با به نمایش گذاردن برهنگی و جراحتهای افکار خود صدقه شفقت بی‌تجربه‌ها را اخاذی می‌کنند، هیچ وجه مشترکی ندارند

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۲۵

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

10-A carriage and four splendid horses, covered with armorial bearings, awaited us at Mudbury.

1. اراهه‌ای با چهار اسب مجلل، پوشیده از رزم افزار، در مادبری منتظر ما بود
2. اراهه‌ای با چهار اسب تیزرو، پوشیده از نشان‌های افتخار، در مادبری منتظر ما بود
3. اراهه‌ای با چهار اسب بزرگ، پوشیده از رزم افزار، در مادبری در انتظار ما بود
4. اراهه‌ای با چهار اسب اصیل، پوشیده از نشان‌های اشرافی، در مادبری آمدن ما را انتظار می کشید

11-I remarked a beautiful church spire rising above some old elms in the park.

1. مناره زیبای کلیسایی را دیدم که در ورای چند سپیدار کهنسال پارک هویدا بود
2. مناره زیبای کلیسایی را دیدم که از بالای چند سرو پیر پارک مشهود بود
3. مناره زیبای کلیسایی را دیدم که از فراز چند نارون پیر پارک قد برافراشته بود
4. ناقوس زیبای کلیسایی را دیدم که از فراز چند نارون قدیمی پارک طنین افکنده بود

12-This Inspector was a man of fourscore years or thereabouts.

1. این بازرس مردی هشتاد ساله یا همین حدود بود
2. این بازرس مردی شصت ساله و در همین اطراف بود
3. این بازرس مردی چهل ساله و شاید ساکن همان اطراف بود
4. این بازرس مردی بیست ساله یا همین حول و حوش بود

13-To hear him talk of roast meat was as appetizing as a pickle or an oyster.

1. گوش فرا دادن به سخنانش درباره گوشت کباب شده به همان اندازه اشتها آور بود که مخلفات غذا یا صدف
2. گوش فرا دادن به صحبت وی در خصوص گوشت سرخ شده به عنوان پیش‌غذا، نبود مخلفات یا صدف را جبران می کرد
3. آن هنگام که از گوشت سرخ شده صحبت می کرد، ترشیجات و صدف را در شنونده تداعی می کرد
4. به محض اینکه صحبت را شروع می کرد از گوشت کباب شده سخن به میان می آورد، گویی اشتها آورهای ترشی و صدف کافی نبود

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۲۵

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

۱۴- Sir Pitt in a fury swore that if ever he caught 'em poaching on his ground, he'd transport'em, by the lord he would.

۱. "سرپیت" خدای را سوگند یاد کرد که اگر آنها را روی زمین خویش بیکار ببیند، آنها را بدون تردید سخت مجازات خواهد کرد
۲. "سرپیت" ناراحت زبان به ناسزا گشود و سوگند یاد کرد که چنانچه آنها را دوباره در ملک خود پراکنده ببیند، آنها را از سرزمین خویش بیرون خواهد راند
۳. "سرپیت" خشمگین قسم یاد کرد که اگر آنها را در حال شکار در ملک خویش بیابد، آنها را به اردوگاهها خواهد فرستاد، به خدا سوگند کرد که چنین خواهد کرد
۴. "سرپیت" برافروخته ناسزا گفت و تاکید کرد که چنانکه آنها را در حال پرسه زدن در ملک خود ببیند، آنها را اخراج خواهد کرد، به عنوان مالک حتما اینکار را خواهد کرد

15-The word Gothic became a term of unmitigated contempt, not unmixed with aversion.

1. واژه گوتیک واژه‌ای شد کمتر حقیر و بیشتر آلوده به نفرت و کینه توزی
2. واژه گوتیک واژه‌ای شد گویای نهایت حقارت بینی، واژه‌ای نه بر کنار از کینه‌توزی
3. واژه گوتیک تبدیل به واژه ای بی نهایت فاخر شد، واژه‌ای نه چندان به دور از نفرت
4. واژه گوتیک تبدیل به واژه ای به غایت پست و تا حدی آمیخته به نفرت شد

16-The cultivation (in one's inmost being) of a thrilling sensitiveness to Nature is a slow and a very gradual process.

1. نمود حساسیت‌های کم اهمیت نسبت به طبیعت (دردرونی‌ترین ژرفای آن) جریانی کند و بسیار تدریجی است
2. فرهنگ حساسیت‌های نامناسب نسبت به طبیعت (در لایه‌های زیرین وجود) جریانی آهسته و بسیار تدریجی است
3. ایجاد حساسیتی شورآفرین (در عمق وجود خود) نسبت به طبیعت، جریانی کند و بسیار تدریجی است
4. فرهنگ ایجاد حساسیت نسبت به طبیعت (در عمقی‌ترین معنای وجودی آن) فرایندی کند و بسیار تدریجی است

17-Many people, when they spend a never-to-be-given-back day in the country, lose all the imaginative good of their experience by talking and fooling.

1. بسیاری از مردم هنگامی که یک روز تفریحی را در مناطق روستایی سپری می کنند، با صحبت و بگومگو اوقات خیال‌انگیز خویش از بین می‌برند
2. بسیاری از افراد هنگامی که یک روز برگشت ناپذیر را در نواحی بیلاقی سپری می‌کنند، تمام زیبایی خیال‌انگیز تجربه خویش را با گفت و گو و به بطالت گذراندن اوقات از دست می دهند
3. بسیاری از افراد، هنگامی که برای یک روز تفریحی به مناطق بیلاقی می روند، به جای گفتگو و بگو بخند به تجربیات خیالی از محیط بیرون توجه می کنند
4. بسیاری از مردم فقط یک روز جبران ناپذیر را در نواحی بیلاقی بسر می‌برند، و آنهم با گفت و گو و سخنان باطل، نه در خلوت خیال‌انگیز تجربه خویش

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۲۵

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

18- Such a mind will always prefer solitude in an unassuming landscape to crowds of people at some famous "inspirational" resort.

1. اینطور طرز تفکری همیشه تنهایی را در یک چشم‌انداز نه چندان زیبا بر گردهمایی مردم در مکان‌های "نفس‌گیر" و مشهور ترجیح می‌دهد
2. اینطور نگرشی خلوت‌گزینی در نواحی نه لزوماً فرضی را بر ازدحام در مناطق مشهور و نفس‌گیر ترجیح می‌دهد
3. این طرز تلقی خلوت‌منظره‌های طبیعی فاخر را بر شلوغی مکان‌های تفریحی «فرحبخش» و مشهور ترجیح می‌دهد
4. اینطور ذهنیتی همواره خلوت یک منظره طبیعی بی‌پیرایه را بر ازدحام‌های مردم در یک مکان بیلاقی "الهام‌بخش" و مشهور ترجیح می‌دهد

19- Its vastness appals the mind.

1. پهناوری آن فکر را کند می‌سازد
2. پهناوری آن فکر را منجز می‌سازد
3. پهناوری آن فکر را آرام می‌سازد
4. پهناوری آن فکر را مرعوب می‌سازد

20- A star journeying through space casually overtook the Sun, not indeed colliding with it, but approaching so close as to raise a great tidal wave.

1. ستاره‌ای در سفر خود در میان فضا تصادفاً به خورشید نزدیک شد، موجی عظیم در آن برانگیخت، اما با آن برخورد نکرد
2. ستاره‌ای سیار در فضا به طور اتفاقی از خورشید سبقت گرفت، البته نه اینکه با آن برخورد کند، اما آنچنان به آن نزدیک شد که یک موج عظیم‌کننده برانگیخت
3. ستاره‌ای سرگردان در فضا تصادفاً از کنار خورشید عبور کرد، که گرچه به آن برخورد نکرد، موجی از پوشش خبری را به خود اختصاص داد
4. ستاره‌ای در سفر فضایی خود خورشید را پشت سر گذاشت، اما در حقیقت با آن برخورد نکرد، بلکه یک موج عظیم در آن ایجاد کرد

21- His thoughts were confused, but the muddle was bright and violent, not dim, not foggily languid as at ordinary times.

1. افکارش آشفته بود اما جسم او سرحال و بانشاط بود، و نه خسته، و نه مانند مواقع دیگر بی‌رمق و خموده
2. افکارش مغشوش بود اما این کلافگی روشن و مستدل بود، نه مبهم، و نه مانند زمان‌های دیگر تاریک و نامطمئن
3. افکارش آشفته بود اما این آشفستگی شفاف و روشن بود، نه تار، و نه طبق معمول مه گرفته و خموده
4. افکارش مبهم بود اما هدف وی روشن و برجسته بود، نه نامشخص، و نه مانند دیگر مواقع مه‌آلود و نامطمئن

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۲۵

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

**22-The Times had published the forged letter condoning the Phoenix Park murders.**

1. نشریه تایمز همان نامه مجهولی را منتشر کرده بود که به قتل‌های پارک فینیکس اشاره نکرده بود
2. نشریه تایمز نامه‌ای را منتشر کرده بود که قتل‌های پارک فینیکس را مورد بی‌توجهی قرار می‌داد
3. نشریه تایمز نامه جعلی که از قتل‌های پارک فینیکس چشم‌پوشی می‌کرد را منتشر کرده بود
4. نشریه تایمز نامه معلوم‌الحالی که از قتل‌های پارک فینیکس چشم‌پوشی می‌کرد را منتشر کرده بود

**23-It cannot be otherwise so long as matter remains heaped in immense masses.**

1. مادامی که ماده در توده‌های عظیم انباشت باشد، غیر از این نمی‌تواند بوده باشد
2. مادامی که غیر این نباشد، موضوع قابل طرح همان توده‌های عظیم خواهد بود
3. مادامی که موضوع اکثریت توده‌ها در میان باشد، انتظار غیر از این نمی‌توان داشت
4. مادامی که اهمیت آن وابسته به اکثریت توده‌ها باشد، وضعیت غیر از این نمی‌تواند باشد

**24-What was one day a sheep's hind leg and leaves of spinach was, the next, part of the hand that wrote.**

1. آنچه روزی ران گوسفند و برگ اسفناج بود، دگر روز، بخشی از دستی بود که می‌نوشت
2. آنچه روزی پای عقب گوسفند و برگ اسفناج بود، بعد آن، بخشی از دستی بود که می‌نوشت
3. آنچه یک روز پای جلوی گوسفند و سبزی اسفناج بود، دفعه بعد، تبدیل به بخشی از دستی شده بود که می‌نوشت
4. آنچه یک روز ران گوسفند و برگ اسفناج بود، بخش دیگری از دستی بود که می‌نوشت

**25-Only in silence can mind reach out to mind and the heart be known.**

1. فقط در سکوت است که ذهن می‌تواند به ذهن برسد و قلب را بشناسد
2. فقط سکوت می‌تواند ذهن را به ذهن و قلب را به قلب پیوند دهد
3. فقط در سکوت است که ذهن به ذهن دست‌درازی می‌کند، و قلب را می‌شناسد
4. فقط به هنگام سکوت است که ذهن می‌تواند به ذهن راه یابد، و نهان قلب نمایان شود

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۲۵

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

**26- That society was lukewarm in religion, but scrupulous about going to church; slack about morals, strict about the proprieties; often republican in theory, always aristocratic in practice.**

- آن جامعه در مذهب معتدل بود، اما در رفتن به کلیسا وسواسی؛ در اخلاقیات سهل انگار، در آداب سختگیر؛ در نظر اغلب جمهوری خواه در عمل همیشه اشرافی
- آن جامعه در عقیده معتدل بود اما در رفتن به کلیسا مصر؛ در اخلاقیات سختکوش، در آداب سختگیر؛ در نظر جمهوری خواه، در عمل اشرافی
- آن جامعه در مذهب پرحرارت بود، در رفتن به کلیسا مصر؛ در اخلاقیات بی توجه، در آداب وسواسی؛ گاه در نظر جمهوری خواه، همواره در عمل اشرافی
- آن جامعه در مذهب ژرفنگر بود، اما در رفتن به کلیسا نامقید؛ در اخلاقیات سختگیر، اما در آداب سهل انگار؛ در نظر اغلب جمهوری خواه، در عمل همواره اشرافی

**27- People with snuff-boxes and a worldly-wise outlook make mots in a mood of urbane scepticism.**

- مردم با بسته‌های اجناس و نگاه مادی خویش با بی‌اعتمادی سخنان نغز می‌گفتند
- مردم با انفییه دان‌ها و نگرش دنیوی خویش. و با حالتی از تردید مودبانه نکته پراکنی می‌کردند
- مردم با جعبه‌های کالا و دیدگاه دنیاپرستانه خویش با حالتی از تردید وصف‌ناپذیر سخن می‌راندند
- مردم با جعبه‌های نوشیدنی و نگرش مادی خویش با حالتی از تردید ناگفتنی نغزگویی می‌کردند

**28- If we owe regard to the memory of the dead, there is yet more respect to be paid to knowledge, to virtue and to truth.**

- یاد مردگان را گرامی می‌داریم، حال آنکه در خور دانش، بینش و حقیقت احترام آنها نمی‌کنیم
- یاد مردگان را ارج می‌نهمیم، حال آنکه دانش، نیکویی‌ها و حقیقت را باید به مراتب بیشتر از گذشته بزرگ داشت
- خاطره از دست رفتگان را عزیز می‌داریم، و چنین در ارج نهادن دانش، نیکویی‌ها و حقیقت تعلل می‌کنیم
- اگر به گرامیداشت یاد مردگان التفات داریم، منزلتی بس افزون را باید برای دانش، فضائل اخلاقی و حقیقت قائل شد

**۲۹- ... a drawback upon success,-a rebuke to your rising,-a rent in your garment,-the hail in harvest,-the ounce of sour in a pound of sweet.**

- مانع پیشرفت، - استهزاء ترقی‌تان، - کرایه دادن لباس‌تان، - سرما در برداشت، - اونس از ترشی در پوندی از شیرینی.
- مانع موفقیت، - بازخواست پیشرفت‌تان، - پارگی در لباس‌تان، - تگرگ در خرمن محصول، - سیری از ترشی در منی از شیرینی.
- کاستی برای موفقیت، - مانع ترقی‌تان، - زدگی در لباس‌تان، - تگرگ در کاشت، - مخلوطی از ترشی و شیرینی.
- سد راه پیشرفت، - گوشمالی ترقی‌تان، - کرایه دادن لباس‌تان، - سرما در برداشت، - کوزه ای از ترشی در قدحی از شیرینی.

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۵

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۲۵

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

سری سوال: ۱ یک

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

30- Fate itself usually decides what kind of scenery it is that we are able to reach without hardship.

1. سرنوشت صحنه‌آرای تصمیماتی است که ما را بدون زحمت به مقصد می‌رساند
2. تقدیر است که به راحتی تمام صحنه‌های زندگی را رقم میزند
3. تقدیر خود چشم‌اندازی که ما می‌توانیم بدون سختی به آن دست یابیم را تعیین می‌کند
4. برای درک بدون مشکل تصمیمات تقدیر باید بتوان به مناظر اطراف دست یافت

### سوالات تشریحی

- 31- Of these memorials a few have been preserved; but the greater part was consigned by him to the flames, a few days before his death. نمره ۱.۴۰
- 32- He entereth smiling - embarrassed. He holdeth out his hand to you to shake, and - draweth it back again. نمره ۱.۴۰
- 33- That sleep which comes to all as a respite and a restoration, and to him especially, as a balm for his wounded heart and his haunted brain, visited me as my bitterest scourge. نمره ۱.۴۰
- 34- The sonnets are, almost without exception, dignified by a sobriety and greatness of mind to which we know not where to look for a parallel. نمره ۱.۴۰
- 35- He was, in truth, a rare phenomenon; so perfect, in one point of view; so shallow, so delusive, so impalpable, such an absolute nonentity, in every other. نمره ۱.۴۰